

در کشورهای خارج، اعضای مفید گیاهان داروئی با دقت کامل تهیه می‌شود بطوری که بسته‌های مختلف الحجمی که به بازارها عرضه می‌شود محتوی همان گیاه مورد نظر بدون مخلوط بودن با ناخالصی‌هاست. ضمناً هر بسته، دارای اتیکتی است که در آن نام مؤسسه، نام داروساز مسئول، نوع گیاه و وزن خالص آن نوشته شده است تا مصرف‌کننده با اعتماد کامل بتواند محتویات داخل هر بسته را به میزانی که لازم است به کار برد.

در اینجا بی‌تناسب نیست، یکی از مواردی که مشابه آن غالباً در کشور ما اتفاق می‌افتد به عنوان مثال ذکر شود:

مدتها بود که مادر یک استاد گیاه‌شناس مشهور کشور ما تحت نظر اطبای مختلف تهران مداوا می‌گردید و چون هیچ‌گونه نتیجه‌ای از آن به دست نمی‌آمد و بعلاوه، بیماری دائماً درحال پیشرفت بود، بناچار بنابه تقاضای بیمار، به یک طبیب دیگر که بیشتر از اعضای گیاهان داروئی جهت مداوا استفاده می‌کرد مراجعه شد.

پزشک معالج اخیر، پس از انجام معاینه‌های مختلف و پرسش‌های لازم از وضع بیمار، نسخه‌ای به سرریض ارائه نمود که در آن مصرف چند گیاه به مقادیر مختلف، جهت تهیه دم‌کردای از آنها، نوشته شده بود ضمناً از توصیه‌های پزشک معالج یکی این بود که این نسخه حتماً به یکی از فروشندگان فرآورده‌های گیاهی که مورد اعتماد ایشان بود، ارائه گردد زیرا او اصیل‌ترین و خالص‌ترین گیاه مورد نظر را بدون کمترین اشتباه، به خریدار خواهد داد.

تصادفاً طبق عادتی که شاگردان استاد به مصاحبت با او داشتند و به بهانه‌های مختلف جهت کسب فیض و شرکت در بحث‌های علمی، به منزل استاد می‌رفتند، نگارنده در آن ساعت که داروهای گیاهی به منزل استاد آورده شده بود، در آنجا حضور داشت. استاد، به مجرد دریافت دارو، با بشاشت و فروتنی خاص که از سجایای اخلاقی ایشان بود، سرا نزد خود خواند تا در نامگذاری بسته‌های گیاهی شرکت نمایم. پس از بازکردن بسته‌ها با کمال تأسف مشاهده گردید که نه تنها محتوی هر بسته به جای یک گیاه مورد نظر، شامل گیاهان متفاوت با اثر درمانی مختلف بود، بلکه در همه آنها بجز یک بسته، گیاهان مختلفی جای داشت که اصولاً نامی از آنها در نسخه پزشک برده نشده بود.

از وظایف دیگر سراز عمده خرید آن است که پس از انجام اعمالی که بدان اشاره شد، نمونه‌ای از گیاهان موجود در مؤسسه خود را، درون بسته‌های کوچک جای داده به منظور نشان دادن مرغوبیت کالاهای خود، همه آنها را به صورت عاری از هرگونه ناخالصی و با رعایت نهایت دقت، به سراز کوچک خرید ارسال دارند.

ارسال نمونه‌ای از اعضای گیاهان برای سراز خرید، سری الزامی است زیرا اینگونه سراز، همیشه با توجه به مرغوب بودن جنس و عاری بودن آن از ناخالصی‌ها، اقدام به خرید می‌نمایند. نمونه‌های ارسالی نیز همیشه باید منطبق با اصل آن باشند، مثلاً اگر از ریشه گیاهی نمونه ارسال می‌گردد، باید مقدار کمی از آن بدون آنکه به صورت مرغوب درآید ارسال شود، یعنی در واقع اگر اعضای گیاهان آماده برای فروش، دارای ناخالصی‌هایی باشد و یا اعضای انواع کم ارزش و یا غیر داروئی با آنها مخلوط باشد، نباید پس از خارج کردن ناخالصی‌ها، از آنها نمونه تهیه شود زیرا در صورت اخیر به هیچ وجه تطبیق با کالای عرضه شدنی ندارند و موجبات اشکال و سلب اعتماد خریداران را فراهم می‌سازند.

اصولاً چون وجود ناخالصی‌ها از ارزش گیاهان داروئی می‌کاهد، باید حتی المقدور مراقبت کامل شود تا گیاهان به صورت خالص و مرغوب به سراز خرید عرضه شوند، یعنی در واقع بهتر است هنگام خشک کردن اعضای گیاهان و یا بسته‌بندی آنها، دقت کامل به عمل آید تا اعضای مشابه دو گیاه، باهم مخلوط نشوند و بعلاوه، این عمل در هنگام جمع‌آوری نیز مورد توجه قرار گیرد تا مثلاً ضمن جمع‌آوری ریشه یک گیاه داروئی، ریشه گیاهان غیر داروئی جمع‌آوری نگردد. معمولاً به استثنای انواع نادر و قیمتی گیاهان، بقیه را به صورت بسته‌های بزرگ بنحوی جای می‌دهند که بر اثر جابجاشدن کیسه، آسیبی به محتویات آن وارد نیاید. بدیهی است که اعضای ظریف گیاهان مانند برگ، گلبرگ و غیره را باید درون جعبه‌های چوبی جای داد. بعضی موسسات نیز قبل از بسته‌بندی، اعضای گیاهان را به مدت یک شب در هوای خنک قرار می‌دهند تا حالت شکنندگی را از دست بدهند مشروط بر آنکه در معرض رطوبت قرار نگیرند. پس از جای دادن اعضای گیاهان در داخل کیسه باید دهانه آنرا بخوبی دوخت و بعلاوه گوشه‌های کیسه‌ها را به صورتی درآورد که بتوان از آنها برای جابجا کردن کیسه استفاده کرد. اصولاً در داخل کیسه‌ها باید اعضاء با مقاومت گیاه مانند ریشه‌های قطور و یا قطعات ساقه یا ترشحات آنها مانند صمغ‌ها و غیره را جای داد.

بر روی کیسه‌ها باید اتیکت‌های پارچه‌ای دوخته شود، بعلاوه مشخصات مقصد و نوع گیاه بطور واضح بر روی آن نوشته گردد تا در مقصد برای جدا کردن و پیدا کردن بسته‌ها، بناچار آنها را بیش از حد معمول جابجا نمایند و در نتیجه، محتوی آنها به صورت نامرغوب در نیاید. بر روی اتیکت پارچه‌ای نیز باید علاوه بر مشخصات گیاه، آدرس دقیق گیرنده نوشته شود. از مطالب قابل ذکر آنکه قبل از ارسال بسته‌های گیاهان، باید بارنامه را به ضمیمه نامه‌ای به مقصد فرستاد و حتی در نامه تعیین نمود که چه نوع گیاه با چه وسیله‌ای فرستاده شده است.

پرورش گیاهان داروئی

انواع بومی و غیر بومی و بهره برداری از آنها

در این مبحث پرورش گیاهان داروئی ارزنده بومی و غیر بومی و آنهایی که به علت دارا بودن شهرت درمانی زیاد، در طب عوام مورد استفاده قرار می گیرند، شرح داده شده است. بعلاوه به شرح معدودی از گیاهان سفید نیز که پرورش آنها معمول نیست ولی نحوه بهره برداری از انواع خودروی آنها اهمیت خاص دارد، اقدام گردیده است. ترتیب شرح گیاهان، منطبق با اسامی لاتین آنها به صورت الفبائی است. در اینجا ذکر این نکته لازم است که ضمن شرح چگونگی پرورش گیاهان، انواع کم ارزش ولی پرمصرف آنها نیز که از خارج وارد کشوری کردند شرح داده شده است تا برای تهیه آنها بناچار، اقدام به خرید فرآورده های آنها از کشورهای خارج که همیشه با ناخالصی ها توأم است، نگردد. ضمناً پرورش غالب انواع اسانس دار و روغن دار این گیاهان نیز که جنبه داروئی قوی یا ضعیف ولی ارزش نسبتاً قابل ملاحظه در صنعت دارو-سازی دارند و به طرق مختلف از آنها در مصارف درمانی و تهیه فرآورده های زیبایی، یا معطر-ساختن مواد غذایی و یا تهیه صابون و غیره استفاده می گردد نیز شرح داده است. زیرا از اسانس آنها بتفاوت به علت دارا بودن اثر ضد عفونی کننده در تهیه پمادهای پانسمان زخم و جراحات و یا برای مخفی ساختن بوی ناپسند بعضی روغن ها (مانند اسانس ژرانیوم - روزا برای مخفی ساختن بوی روغن کاد) استفاده می گردد و یا مخلوط آنها با مواد دیگر دردندان پزشکی یا در عطرسازی و تهیه لوسیون ها و فرآورده های زیبایی مورد توجه خاص قرار می گیرد.

در این مبحث هر گیاه داروئی با نام اصلی خود به لاتین معرفی شده است زیرا جستجوی نامهای مترادف آنها و همچنین اسامی آنها به زبانهای مختلف، به سهولت با مراجعه به اندکس و متن کتاب میسر می باشد.

Achillea Millefolium L.

A. ambigua Boiss. ، *A. ossica* C. Koch.

بومادران، گیاهی است داروئی وارزنده که با همه شهرت درمانی که از قدیم الایام دارا بوده، حتی به پایه انواع کم ارزش تر از خود نیز مورد استفاده های درمانی قرار نمی گیرد. مصرف آن از قرن اول میلادی بین مردم معمول بوده است بطوری که در آن زمان برای بند آوردن خون

از آن استفاده می نموده و به آن اعتقاد زیاد داشته اند. سرشاخه های گلدار و برگ بومادران، به علت دارا بودن اسانس و مواد مؤثره مختلف، اثر مقوی، نیرو دهنده، رفع تشنج، معالج بواسیر، قاعده - آور، بند آورنده خون و التیام دهنده زخم ها و جراحات دارد. در درمان بسیاری از بیماریهای عصبی نیز می تواند اثر مفید و معالج ظاهر نماید.

بومادران، گیاهی چند ساله و از تیره کاسنی (Compositae) است. ساقه ای به ارتفاع ۲ تا ۹ سانتیمتر و حتی بیشتر دارد. در دشتها و دامنه های بعضی از نواحی کوهستانی اروپا آسیا، منجمله ایران به حالت خودرو می روید. برگهای آن عاری از دمبرگ، پوشیده از کرک و



ش ۳۸ - *Achillea Millefolium*: سرشاخه گلدار و ریشه همراه با قاعده ساقه (اندازه های طبیعی) - گل (در زیر ذره بین)

منقسم به بریدگیهای بسیار باریک می باشند. کاپیتولهای کوچک و متعدد آن، وضع مجتمع به صورت گل آذین دیهیم دارند و هریک از آنها دارای دو نوع گل، می باشند یکی زنانه ای و سفید رنگ و دیگری لوله ای و واقع در ناحیه وسطی کاپیتولهاست. گلهای کناری آن تحت اثر شرایط مختلف محیط زندگی ممکن است به رنگ مایل به ارغوانی نیز در آیند.

پرورش آن به علت پراکندگی زیادی که گیاه در غالب نواحی اروپا و آسیا دارد، معمول نیست زیرا بهره‌برداری از پایه‌های وحشی گیاه، کافی برای رفع نیازمندیهای داروئی و استفاده‌های صنعتی است.

سرشاخه‌های گلدار گیاه وحشی را در فاصله خرداد تا مردادماه که گلها ظاهر می‌گردند، می‌چینند و سپس به صورت بسته‌های کوچک در آورده در محلی از انبار به حالت آویخته نگاه می‌دارند تا خشک‌گردند. در بعضی نواحی از ریشه گیاه نیز استفاده درمانی به عمل می‌آورند که در اینصورت، باید پس از گل دادن گیاه، آنرا از زمین خارج کرده، ریشه را پس از قطع کردن از ساقه و شستن، به صورت قطعاتی در آورد و سپس طبق معمول، در محل مناسب خشک نمود. پراکندگی این گیاه بیشتر در منطقه البرز و در آذربایجان است.

Aconitum Napellus L.

اقونیطون، گیاهی چند ساله، به ارتفاع بالغ بر یک متر و دارای ریشه‌ای متورم و گوشتدار است. برگهائی بابریدگیهای زیاد و گلتهائی نامنظم، بزرگ و زیبا، به رنگ آبی و گاهی ارغوانی یا سفید دارد. اقونیطون از گیاهان تیره آلاله (Ranunculaceae) است و اگر سمیت زیاده از حد آن در بین نبود، پرورش آن به عنوان یک گل زینتی بسیار زیبا، بیش از آنچه که در حال حاضر معمول است، متداول می‌گردید.

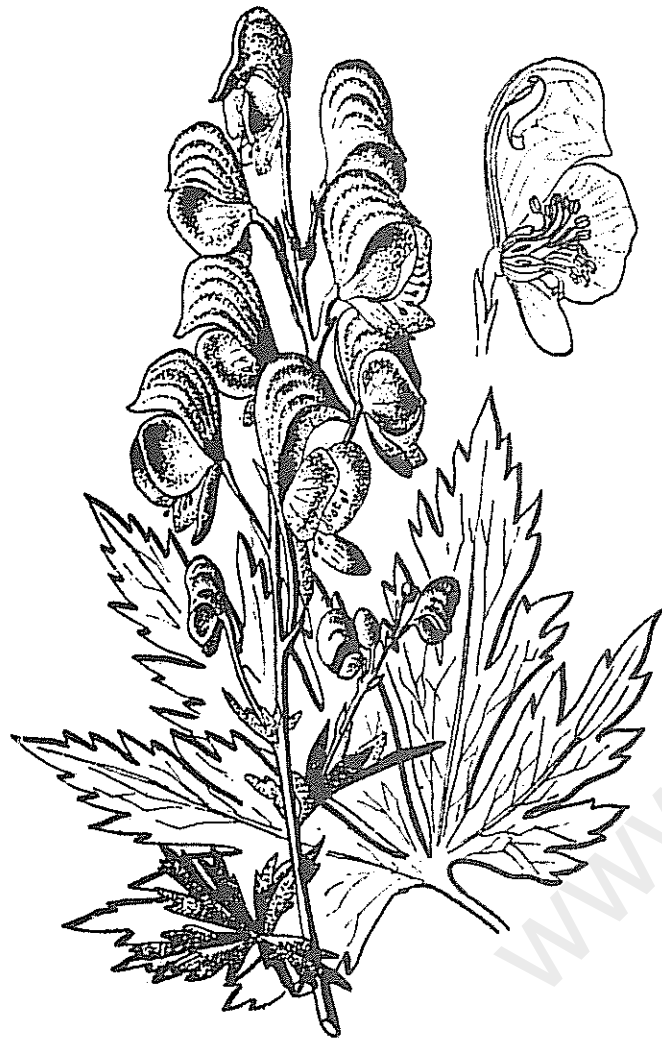
برگهای تازه و ریشه متورم گیاه اثر درمانی دارد و از آنها در تهیه فرآورده‌های داروئی و استخراج اکونی‌تین، پیوسته استفاده به عمل می‌آید.

فرآورده‌های اکونیت اثر آرام‌کننده مخصوصاً در دردهای عصبی مربوط به عصب تری‌ژومو دارند و در احتقان‌های ریوی (غلبه خون به ریه‌ها) همراه با سرفه، در گریپ، ذات‌الریه و در نقرس‌های حاد و رماتیسم حاد مفصلی نیز اثر مفید ظاهر می‌کنند.

با آنکه اقونیطون به حالت وحشی در منطقه وسیعی از نواحی معتدله دو نیمکره شمالی و جنوبی می‌روید، معهذاً چون به علت پراکندگی بودن نمی‌توان از آنها به مقادیری که مورد نیاز است بهره‌برداری نمود، از این جهت برای مصارف درمانی و استخراج الکالوئید و همچنین به عنوان یک گل زینتی، پیوسته پرورش می‌یابد.

از مشخصات اقونیطون آن است که در ناحیه یقه یعنی قسمت بالای ریشه گیاه، پس از ظاهر شدن ساقه برگدار، معمولاً ۱ تا ۲ جوانه جانبی پدید می‌آید. این جوانه‌ها پس از آنکه چند سانتیمتر از یکدیگر فاصله پیدا کردند، خمیدگی حاصل نموده، در داخل خاک فرو می‌روند

و بر اثر رشد و نمو تدریجی، به ریشه‌ای متورم تبدیل می‌شوند به نحوی که در همان اواخر سال اول، گیاه دارای ۲ تا ۳ غده متورم، که یکی از آنها غده اصلی و مادر است، می‌گردد. پس از



ش ۳۹ - *Aconitum Napellus*: سرشاخه گلدار، برگ و برش قائم گل
(اندازه‌های طبیعی)

خاتمه گل دادن، غده‌های کوچک مذکور که در این زمان از نظر رنگ و حجم شباهت به

تربچه‌های سیاه رنگ و کوچک دارند، در سال بعد رشد و نمو کافی حاصل می‌کنند و هریک، موجبات پیدایش یک ساقه‌گلدار را فراهم می‌سازند.

پرورش اقونیطون در زمینهای رستی-سیلیسی، سبک و در ارتفاعات مشخص به وسیله دانه‌های کاملاً رسیده و یا غده‌های جوان که شرح آنها داده شد، صورت می‌گیرد.

دانه‌های رسیده گیاه را معمولاً در شهریور ماه در زمین آماده و اصلاح شده، در امتداد خطوطی با فاصله ۲۰ ر. متر، در عمق کم خاک می‌کارند. تکثیر اقونیطون اگر به وسیله غده‌های جوان صورت گیرد، باید در پائیز انجام شود. این عمل که متداول‌ترین طریقه برای تکثیر گیاه است معمولاً بهتراز روش تکثیر آن به کمک دانه، نتیجه می‌دهد. برای این کار غده‌ها را در زمین شخم زده و کوددار، در امتداد خطوطی به فواصل ۵ ر. متر به نحوی می‌کارند که هریک از دیگری لا اقل ۲۰ ر. متر فاصله داشته باشد. با این روش و مشخصاتی که ذکر شد، معادل ۱۰۰ هزار غده در هر هکتار کاشته می‌شود.

در پرورش اقونیطون به هر طریقی که صورت گیرد باید همواره این نکته رعایت شود که قبل از توسعه سطح کشت گیاه، مقدار الكالوئیدهای مؤثر اعضای مفید گیاه در نخستین بهرم برداری، مورد اندازه‌گیری و سنجش قرار گیرد زیرا به تجربه ثابت شده است که غده‌های حاصل از کشت گیاه در مناطق مختلف، دارای سمیتی متفاوت از یکدیگر است مانند آنکه سمیت غده‌های حاصل از پرورش گیاه در نواحی سردابی Fère - en - Tardenus، ۴ برابر بیشتر از غده‌های گیاه پرورش یافته در ارتفاعات زیاد کوه‌های پیرنه، مشاهده شده است و به همین علت است که قبل از اقدام به توسعه کشت گیاه باید الكالوئیدهای مؤثر و سمی آن مورد اندازه‌گیری‌های دقیق قرار گیرد.

برای مصارف درمانی، از غده‌های اقونیطون ولی برای استخراج الكالوئید (اکونی‌تین) در صنعت، از کلیه اعضای زیرزمینی گیاه از قبیل غده‌های جوان فرعی و ریشه‌های فرعی که آنها نیز دارای الكالوئید مذکور می‌باشند، استفاده می‌شود(۱).

غده‌های اقونیطون پس از گل دادن، دارای مقادیر کمی از ماده مؤثره می‌گردند بطوری که اگر غده‌هایی که منجر به پیدایش گیاه‌گلدار شده‌اند و آنهایی که هنوز ایجاد ساقه ننموده‌اند

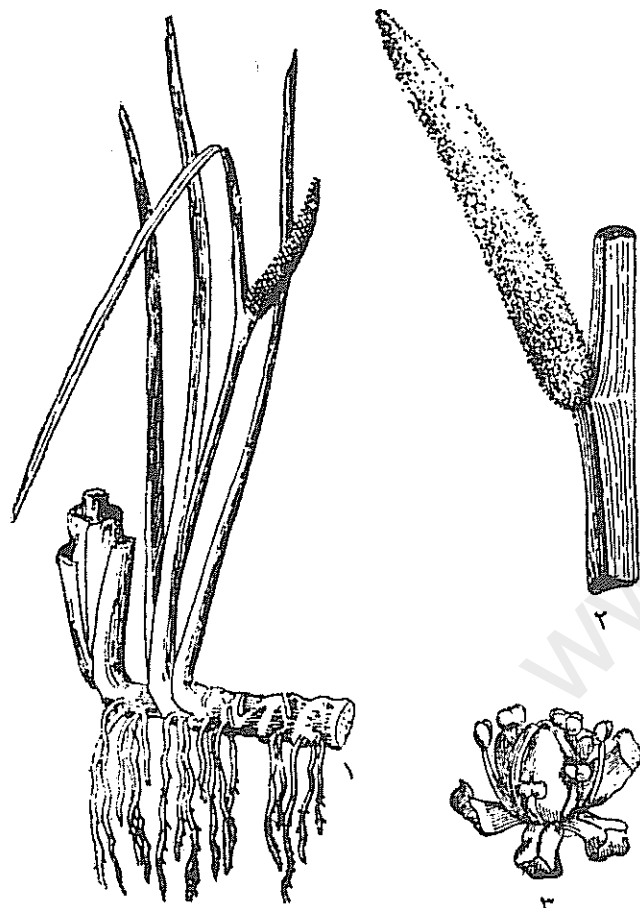
۱ - این گیاه علاوه بر اکونی‌تین (aconitine) دارای الكالوئیدهای دیگری است که فرمول دوتای آنها یعنی پرودواکونی‌تین و لیک‌اکونی‌تین به ترتیب طبق مرک ایندکس عبارت از $C_{36}H_{51}NO_{12}$ و $C_{36}H_{48}N_2Cl_1$ می‌باشد (رجوع شود به توضیح صفحه ۱۲ جلد اول این کتاب).

با هم مقایسه‌گردند، مشاهده خواهد شد که مقدار اکونی‌تین در آنها به نسبت ۱ به ۴ می‌باشد. از مشخصات پرورش اقونیطون آن است که زمین زراعتی نباید بطور مداوم اختصاص به پرورش این گیاه داده شود.

Acorus Calamus L.

A. aromaticus Gilib . , A. odoratus Lam.

گیاهی آبزی، علفی، از تیره گل شیپوری (Araceae) و دارای شکل ظاهری شبیه زنبق است. از مشخصات آن این است که ریزومی افقی و برگهائی باریک و غلافدار دارد.



ش ۴ - Acorus Calamus L. : ۱- گیاه کامل ۲- گل آذین (اندازه طبیعی) ۳- گل

گل‌های آن به رنگ زرد و دارای وضع مجتمع به صورت نوعی سنبله مخصوص به نام اسپادیس (Spadice) اند .

ریزوم معطر گیاه که در سطح تحتانی دارای ریشه‌های متعدد است ، مصارف درمانی دارد و از آن به عنوان نیرو دهنده، مقوی، مقوی معده و از بین برنده نفخ، استفاده می‌شود. پرورش آن نه تنها برای استفاده از ریزوم گیاه جهت مصارف درمانی است، بلکه به منظور تزئین باغچه‌ها نیز می‌باشد .

تکثیر این گیاه به سهولت در زمینهای مرطوب، کنار جریانهای آب و اراضی مشابه آن به وسیله قطعات ریزوم صورت می‌گیرد. برای این کار، قطعات ریزوم را در عمق نسبتاً زیاد خاک یعنی در ۱۰ تا ۱۲ سانتیمتری آن می‌کارند و سپس زمین را چند روز به حالت خشک، یعنی بدون آب باقی می‌گذارند. در این موقع، جریان آب را به نحوی برقرار می‌سازند تا آب، سطح زمین زراعتی را تا ارتفاعی در حدود ۱ سانتیمتر فراگیرد.

در پرورش این گیاه باید دقت کافی به عمل آید تا گیاهان آبی دیگر، پس از برقرار ساختن آب، در زمین مذکور رشد پیدا نمایند زیرا ممکن است سوجبات اشکال را فراهم سازند. از مشخصات پرورش این گیاه آن است که نوع پرورش یافته، پس از آنکه چند سال از زراعت آن گذشت، خود بخود بر اثر ظاهر شدن جوانه‌ها در سطح ریزوم، تکثیر حاصل می‌کند و اگر منظور توسعه کشت گیاه در زمین دیگری باشد باید مجدداً قطعات سالم ریزوم را در آن زمین با رعایت مواردی که ذکر شد، درون خاک جای داد .

در موقع برداشت محصول، ریزوم را از خاک خارج می‌کنند و پس از شستن، آنها را به قطعات نازک تقسیم می‌نمایند. در این موقع همواره بدین نکته توجه می‌کنند که هنگام تقسیم ریزوم به قطعات نازک، پوست خارجی آن که دارای ماده مؤثره و اسانس است، از بقیه جدا نگردد .

در نواحی شمالی ایران پراکنده است .

Adonis vernalis L.

A. pratensis Ledeb. ، *A. parviflora* Janka

آدونیس ورنالیس که به حالت وحشی در کشور ما یافت نمی‌گردد، گیاهی علفی، چند ساله، دارای ریزوم ضخیم و از تیره آلانه (Ranunculaceae) است. برگ‌هایی به رنگ سبز زیبا، منقسم به بریدگیهای باریک و دراز و گل‌هایی درشت، به رنگ زرد و به وضع منفرد بر روی ساقه دارد .

آدونیس ورنالیس به حالت وحشی در منطقه نسبتاً وسیعی از اروپا مانند فرانسه، سوئیس، آلمان و جزایر بالتیک می‌روید. برگ‌های آن منقسم به قطعات نازک و باریک اند و در آغاز، رنگ



ش ۴۱- *Adonis vernalis* : سرشاخه گلدار، قاعده ساقه و ریزوم
(اندازه‌های طبیعی) مجموعه میوه

سبز زیبا دارند ولی پس از خشک شدن، تغییر رنگ حاصل می‌کنند و سبیل به خاکستری می‌گردند.

آدونیس ورنالیس را به دو منظور یکی جهت تزیین باغچه ها و دیگری برای مصارف درمانی، پرورش می دهند زیرا برگ وساقه آن، دارای ماده مؤثر آدونیدین (Adonidine) است که خاصیت مقوی قلب و مدر بنحو مؤثر دارد.

پرورش آدونیس ورنالیس در اراضی سیلیسی، سایه دار، برگردان شده و دارای کود کافی صورت می گیرد و بطوری که تجربه نشان داده است در ارتفاعات ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ متری، از پرورش آن نتیجه بهتر به دست می آید. برای این کار ساقه های ریشه دار را در پائیز از بوته های گیاه جدا می سازند و یا از میوه رسیده گیاه (محتوی دانه) برای تکثیر استفاده می کنند و چون استفاده از طریقه اخیر با اشکالاتی همراه است، از این جهت میوه گیاه را بطور متناوب در لایه طبقات ماسه و خاک مرغوب و حاصلخیز قرار می دهند تا بتوانند از این عمل نتیجه مثبت بگیرند زیرا با این روش، پس از مدت زمانی که گاه به چند ماه می رسد، گیاهان جوان از رشد دانه ها به دست می آیند. عمل نشا کردن گیاهان جوان مذکور نیز در بهار و در زمین مساعد و کاسلا آماده، باید صورت گیرد.

در بین آدونیس های ایران، گونه های مفید متعددی یافت می شوند که مهمترین آنها گونه *A. aestivalis* L. می باشد. از این گیاه توسط Robert در سال ۱۹۱۶ گلوکزیدی به دست آمد که اثر درمانی آن ۲۰۰ مرتبه کمتر از گونه اصلی که پرورش آن شرح داده شد، می باشد. مطالعات دیگر نشان داد که از این گیاه می توان برای مصارفی که نوع اصلی یعنی آدونیس-ورنالیس دارد، استفاده به عمل آورد. گونه موجود در ایران دارای اکسید ننگز در ریشه خود می باشد.

از دو گونه دیگر موجود در ایران مانند *A. flammea* L. و *A. mirocarpa* Jacq. هنوز هم در بعضی نواحی مانند روسیه، به عنوان مقوی قلب استفاده به عمل می آید. نوع اول از ۳ گیاه اخیر در تهران و کرج و دو گونه دیگر در کرج و نواحی مختلف دیگر ایران فراوان می رویند.

Agrimonia Eupatoria L.

A. Eupatoria subsp. *asiatica* (Juz.) Schö - Tem.

گیاهی از تیره گل سرخ (Rosaceae) و دارای ساقه ای به ارتفاع ۳ تا ۶ سانتیمتر است. در جنگلها و نواحی مرطوب می روید. در ایران بیشتر در نواحی شمالی، در چمنزارها و حاشیه مزارع و زیر درختان زیتون رودبار به چشم می خورد. گلهای آن به رنگ زرد نارنجی و مجتمع

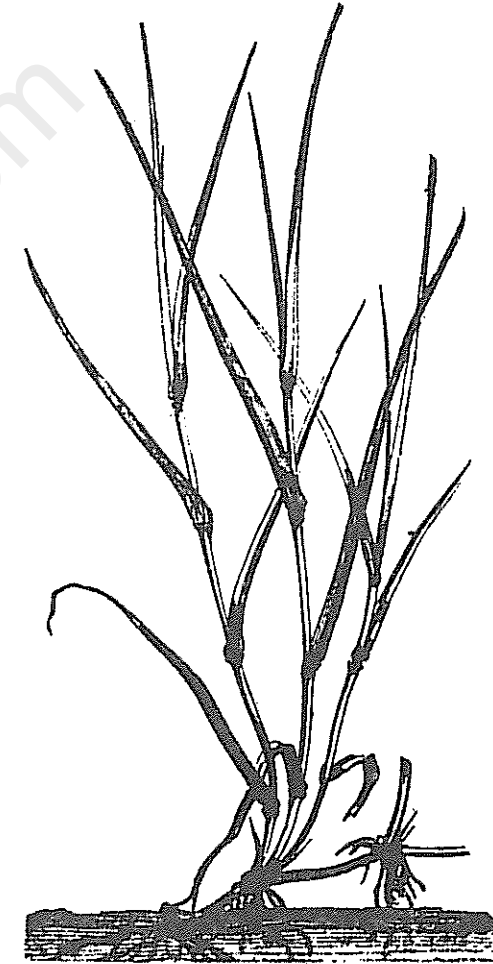
به صورت سنبله های درازند. از مشخصات آن این است که در فواصل برگچه های برگ آن، برگچه های کوچکتری به وضع نامنظم دیده می شود. برگهای آن اثر قابض و قاعده آور (بطور ضعیف)، مدر و ضد کرم دارند بعلاوه در خونرویها نیز اثر مفید ظاهر می کنند.



ش ۴۲- *Agrimonia Eupatoria*: سرشاخه گلدار - گل کامل و عاری از پوشش و برشهای قائم آنها (Baillon)

تکثیر آن از طریق کاشتن دانه های رسیده گیاه در بهار صورت می گیرد. با کاشتن قطعات ریشه جوانه دار نیز می توان اقدام به تکثیر گیاه نمود. قطعات مذکور را معمولاً در بهار بر روی

خطوطی به فواصل ۰.۴ تا ۰.۵ سانتیمتر می‌کارند و بین آنها نیز فواصل مشخص در نظر می‌گیرند. در موقع برداشت محصول، باید برگ گیاه را قبل از ظاهر شدن گلها چید و سپس آنها را به صورت قشر نازکی در محل سایه گسترانید تا به تانی خشک گردد.



ش ۳-۴ - Agropyron repens: گیاه کامل ریشه دار

Agropyron repens (L.) P. B.

شین دان (Chiendent)، از گیاهان مفید داروئی و از تیره گندم است. از ریزوم آن به عنوان مدر و تصفیه کننده خون استفاده فراوان در طب عوام به عمل می‌آید. عصاره شین دان،

در آن زمان که مصرف فرآورده‌های گیاهی اهمیت داشت، از خارج وارد ایران می‌گردید در حالی که غالب نواحی کشور ما، مخصوصاً چمنزارها، از این گیاه پوشیده بوده و ممکن بود از آن برای مصارف مختلف استفاده به عمل آید. شین دان به علت دارا بودن اسلح پتاسیم و همچنین ترکیبات مختلف دیگر، اثر مدر و ملین نیز دارد و از آن می‌توان برای تمام موارد التهابی مخصوصاً التهاب دستگاه دفع ادرار استفاده به عمل آورد.

بهره برداری از آن در هر زمانی می‌تواند صورت گیرد ولی بهترین آن است که پایه‌های جوان آن مورد استفاده قرار گیرد. در این موقع ریزوم گیاه را از زمین خارج می‌کنند و قسمتهای هوائی آن را قطع کرده بقیه را به خوبی می‌شویند و سپس آنها را به قطعاتی تقسیم کرده ضرباتی ملایم بدان وارد می‌آورند تا سلولهای بشره که سوجبات تلخی طعم و ناپسند شدن تیزان آن را فراهم می‌آورند، جدا گردند. خشک کردن این قطعات در گرمای خورشید و یا در اماکنی با گرمای ملایم صورت می‌گیرد.

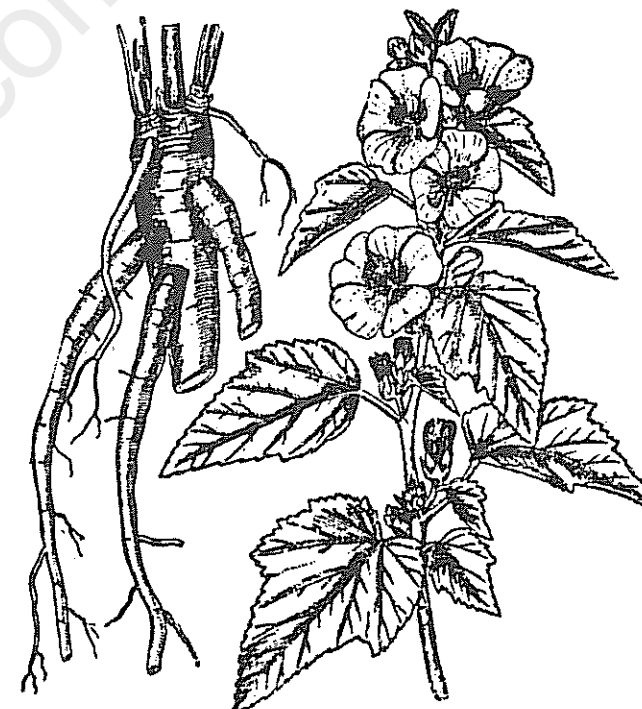
هرگز نباید قطعات ریزوم خشک شده را مدتی نگهداری کرد زیرا در مدت کوتاهی به علت حمله حشرات بدان، فاسد می‌گردد. مصرف آن در طب عوام خیلی زیاد است. این گیاه در غالب نواحی شمال ایران، منطقه البرز، گیلان، مازندران، گرگان، خراسان، لرستان و غیره می‌روید.

Althaea officinalis L.

ختمی، گیاهی چند ساله، از تیره Malvaceae، به ارتفاع ۰.۵ تا ۱ متر و دارای برگ و ساقه پوشیده از کرکهای نرم و غده مانند است. به حد وفور در نواحی مرطوب اروپا و ایران می‌روید، بعلاوه در غالب نواحی به عنوان زینت یا استفاده از اعضای آن جهت مصارف درمانی، پرورش می‌یابد.

برگهای ختمی، وضع متناوب بر روی ساقه دارند و پهنک آنها منقسم به ۳ تا ۵ لوب دنداندار می‌باشد. گلهای آن به رنگهای زیبای صورتی یا نسبتاً ارغوانی و یا گلی می‌باشند. از مشخصات ختمی آن است که ریشه‌ای دراز و دوکی شکل، به ضخامت انگشت و به رنگ خاکستری مایل به زرد دارد. پراکنندگی آن به حالت وحشی بیشتر در سواحل ماسه‌ای و زمینهای کم‌ویش شور نواحی مرطوب است. منشاء اصلی گیاه هنوز به تحقیق معلوم نگردیده است معذراً امروزه عقیده کلی بر این است که ختمی از نواحی مخلف قاره آسیا تدریجاً به اروپا، مخصوصاً به منطقه مدیترانه انتقال یافته است.

قسمت مورد استفاده ختمی، برگ، ریشه و گل‌های آن است که عموماً اثر نرم کننده دارند. ریشه‌اش بیشتر از نظر درمانی مورد توجه مردم کشورهای خارج قرار دارد در حالی که مردم ایران، گل ختمی را مؤثرتر دانسته استفاده از آنرا بر سایر قسمت‌های گیاه، ترجیح می‌دهند. پرورش ختمی در زمین‌های نسبتاً رستی، سبک و کمی مرطوب، به وسیله دانه یا تقسیمات سوش انجام می‌گیرد. در زراعت آن همواره باید توجه گردد که زمین به عمق نسبتاً زیاد برگردان شود (زیرا ریشه گیاه به قسمت‌های عمیق زمین نفوذ می‌کند) بعلاوه به خوبی شخم زده شود و کود



ش ۴۴ - *Althaea officinalis*: سرشاخه گلدار (۱/۲ طبیعی) - ریشه

کافی بدان اضافه گردد. اگر به زمین زراعتی، پتاس و اصلاح آمونیاکی افزوده شود پرورش گیاه بهتر صورت می‌گیرد.

دانه ختمی را معمولاً در بهار می‌کارند و گیاه جوان حاصل را در پائیز و یا در بهار سال بعد به زمین آماده منتقل می‌سازند. در پرورش ختمی اگر تکثیر از طریق تقسیمات سوش صورت گیرد، نتیجه بهتر حاصل می‌شود.

گل ختمی را که مصرف آن در ایران بیشتر از سایر قسمت‌های گیاه است، معمولاً هنگام

شکفتن، جمع‌آوری می‌نمایند. خشک کردن گل نیز باید با رعایت نهایت دقت و در سایه صورت گیرد. برگ‌های ختمی نیز در همین زمان چیده می‌شود.

برای جمع‌آوری ریشه، قطعات آن را در پائیز به وسیله چنگالهای فلزی مخصوص از زمین خارج می‌کنند و پس از شستن، به کمک چاقوهای نیمه تیز، قسمت‌های خارجی یعنی ناحیه چوب پنبه‌ای شده ریشه را می‌تراشند. عده‌ای معتقدند که ریشه ختمی را نباید پس از خارج کردن از خاک، شست زیرا باین عمل، مواد لعابی ریشه که به حد فراوان در سطح خارجی آن جای دارد از بین می‌رود. در این مورد عقیده عده‌ای بر آن است که به جای شستشوی ریشه با آب، باید آنرا پس از خارج کردن از خاک به خوبی تکان داد و سپس با استفاده از برس‌های موئی، خاک و آلودگی‌های دیگر را از آن دور نمود.

ریشه‌های قطور و طولی ختمی را معمولاً پس از پاک کردن، ابتدا طولاً به قطعاتی تقسیم می‌کنند و سپس هریک از قطعات حاصل را به قطعات کوچک به طول ۵ تا ۸ سانتیمتر در می‌آورند. اگر ریشه‌های ختمی قطور نباشند منحصراً آنها را عرضاً به قطعاتی تقسیم می‌کنند. خشک کردن قطعات ریشه ختمی در دستگاه‌های مخصوص و یا در کوره‌های نانوائی پس از انجام عمل پخت نان، صورت می‌گیرد. بدیهی است در مورد اخیر همیشه موقعی که حرارت کوره زیاد نیست، اقدام به این کار می‌کنند.

Archangelica officinalis ← *Angelica Archangelica* رجوع شود به

* *Anthemis nobilis* L.

A. aurea DC. ، *Ormenis nobilis* J. Grag.

تحت نام بانونه، بطوری که قبلاً در بحث بازاریابی شرح داده شد، گیاهان مختلفی متعلق به جنس *Anthemis*، به بازارهای داروئی عرضه می‌شود که هریک خواص درمانی متفاوت از دیگری داشته از بعضی نیز در صنعت استفاده به عمل می‌آید. از بین گیاهان مذکور، نوعی که بیشتر مورد توجه است و غالباً پرورش می‌یابد، *A. nobilis* است که **بانونه و بانونه‌رومی*** خوانده می‌شود.

بانونه رومی گیاهی چند ساله از تیره کاسنی (*Compositae*) است. ساقه‌ای به ارتفاع

* بانونه رومی ترجمه نام خارجی گیاه می‌باشد که به همین نحو در کتب فارسی اعم از داروئی و غیره داروئی وارد گردیده است. گونه‌های مشابه این گیاه نیز بین مردم به نام بانونه نامیده می‌شود.

۳ تا ۳ سانتیمتر، به حالت کم و بیش خرنده دارد. برگهای آن دارای بریدگیهای باریک و متعدد است. کاپیتولهای آن وضع منفرد در انتهای شاخه‌ها دارند و در فاصله ماههای خرداد و مرداد ظاهر می‌شوند.

بابونه رومی، اثر مقوی معده، تب‌بر، تسکین‌دهنده و بادشکن دارد. مصرف آن در دردهای عصبی ناحیه کمر در هنگام گریپ، سردردهای یکطرفه و دردهای عصبی صورت، اثر تسکین‌دهنده ظاهر می‌نماید ولی باید توجه گردد که به مقدار زیاد و غیر درمانی مصرف نشود زیرا ایجاد استفراغ و ناراحتی می‌کند.

بابونه رومی در زمینهای بایر غالب نواحی جنوبی اروپا مانند جنوب فرانسه اسپانیا و ایتالیا می‌روید ولی در ایران دیده نشده است. از آن برای مصارف مختلف درمانی و صنعتی نیز استفاده می‌شود. از این جهت چون بهره‌برداری از انواع وحشی، کفاف احتیاجات بازارهای داروئی را نمی‌دهد، در نواحی مختلف اقدام به پرورش گیاه می‌گردد.

نوع وحشی بابونه که کاپیتولی مرکب از تعداد کمی گل‌های زبانه‌ای سفید در حاشیه و گل‌های لوله‌ای به رنگ زرد در وسط دارد، برای مصارف درمانی قابل توجه نیست. انواع پرورش یافته آن که در برخی کتب، واریته‌ای از گیاه وحشی ذکر گردیده، دارای کاپیتولهای مرکب از تعداد زیادی گل‌های زبانه‌ای در حول گل‌های لوله‌ای‌اند. عقیده کلی بر این است که بر اثر کشت‌های متوالی است که گیاه پرورش یافته، دارای تعداد زیادی از گل‌های زبانه‌ای شده است. یعنی در واقع بر اثر این کار قسمتی از گل‌های لوله‌ای به زبانه‌ای تبدیل گردیده و موجب شده است که کاپیتولهای گیاه پرورش یافته، به صورت دگمه‌ای سفید رنگ جلوه نماید و از کاپیتولهای گیاه وحشی به سهولت تشخیص داده شود.

تکثیر بابونه به وسیله قطعات سوش جدا شده از گیاه و یا از طریق کاشتن دانه (میوه) آن صورت می‌گیرد ولی عملاً طریقه اول مورد استفاده قرار می‌گیرد زیرا نوع پرورش یافته گیاه، اصولاً دانه‌هایی به تعداد کم بوجود می‌آورد که کافی برای استفاده از آن جهت تکثیر گیاه نیست. از ساقه‌های جوان و ریشه دار گیاه نیز جهت تکثیر بنحوی که شرح داده می‌شود استفاده می‌گردد. در موقع برداشت محصول، پس از آنکه کاپیتولها چیده شد، ساقه‌های گیاه را بلافاصله از ناحیه مجاور زمین قطع می‌کنند. باین عمل، ساقه‌های کوچک و متعددی در محل قطع شده بوجود می‌آیند که پس از رشد کافی، تقریباً حالت گسترده در سطح زمین پیدا می‌کنند. این ساقه‌ها به زودی در نقاط مختلف خود دارای ریشه می‌شوند که قسمتی از آنها را از بقیه جدا کرده در فاصله ماههای آذر تا اسفند، به محل مناسبی انتقال می‌دهند. طریقه نشاکردن ساقه‌های

ریشه‌دار اخیر باید طوری باشد که گیاهان جوان، در امتداد خطوطی به فواصل ۰.۳۰ سانتیمتر، کاشته شوند و فاصله هر گیاه از دیگری نیز لااقل ۰.۳۰ متر باشد.

تکثیر بابونه رومی از طریق قطعات سوش بدین نحو است که قطعات مذکور را در پائیز از گیاه جدا می‌کنند و در محل مناسبی می‌کارند، سپس آنها را در بهار که دارای ریشه کافی گردیده‌اند، به زمین اصلی که قبلاً جهت این کار آماده شده است، انتقال می‌دهند.

بابونه رومی، در آب و هوای نسبتاً گرم بهتر پرورش می‌یابد. زمین زراعتی آن نباید رطوبت مداوم داشته باشد. محل کشت باید طوری انتخاب گردد که هوای سرد زمستان و بادهای



ش ۵۰- Anthemis nobilis: گیاه کامل گلدار - یک کاپیتول جدا با چند ردیف گل زبانه‌ای (C. E. Zemlunski)

گرم تابستان، رشد گیاه را متوقف نسازد. زمین زراعتی باید سیلیسی، کمی رستی و دارای کود کافی و برگردان شده باشد.

قبل از کاشتن گیاه باید چندبار پس از شخم زدن، زمین را اصلاح کرد، بعلاوه در سال دوم نیز مراقبت بیشتر از گیاه به عمل آورد یعنی پیوسته علفهای هرزه را از مزرعه دور ساخت و ضمناً در هنگام ظاهر شدن کاپیتولها، مقداری کود به صورت محلول روان به زمین اضافه کرد زیرا با انجام این اعمال، محصول فراوان‌تر و مرغوب‌تر به دست خواهد آمد. از نکات قابل توجه

آنکه در چین کاپیتولها باید دقت زیاد به عمل آورد تا کاپیتولها به صورت کاملاً شکفته، چیده نشوند.

چون در بازارهای تجارت، منحصرأ کاپیتولهایی که رنگ طبیعی خود را ضمن خشک شدن از دست نداده‌اند، مورد توجه می‌باشد از این جهت باید در خشک کردن آنها، دقت کافی به عمل آورد تا کاپیتولهای خشک شده، به صورت کاملاً مرغوب در معرض استفاده داروسازان قرارگیرد.

معمولاً از هر هکتار زمین زراعتی به شرطی که در سال اول، دقت‌های لازم در پرورش گیاه به عمل آمده و جنس زمین نیز مناسب با رشد گیاه انتخاب شده باشد، معادل ۱۲۰ کیلوگرم محصول خشک شده، به دست می‌آید. جدا کردن کاپیتولهایی که پس از خشک شدن، به رنگ تیره و یا خاکستری درآمده‌اند و در نتیجه، فاقد ارزش درمانی می‌باشند، اسری است الزامی زیرا وجود آنها در بین کاپیتولهای سالم، موجب می‌گردد که در بازارهای دارویی توجهی به خرید آنها نگردد.

بابونه رومی از گیاهانی است که همه ملل جهان به مصرف آن اعتقاد زیاد دارند، از این جهت فرآورده‌های آن به صورت تفاوت جهت صدور به کشورهای مختلف وارد بازارهای دارویی می‌شود. مصرف زیاد فرآورده‌های گیاه نیز موجب گردیده که سطح کشت این گیاه، پیوسته در جهان افزایش یابد و کشورهای صادرکننده، غالباً کاپیتولهای خشک استریل، در جعبه‌ها جای دهند تا از لحاظ کشت، مورد استفاده کشورهای مصرف کننده قرار نگیرد.

دم کرده بابونه رومی در همه کشورهای به عنوان مقوی و مقوی معده مصرف دارد ضمناً از آن محلولات شستشو جهت ضد عفونی کردن مخاط دهان و غیره تهیه می‌گردد. از بابونه رومی نوعی اسانس به رنگ آبی با اثر سمی تهیه می‌شود. مصرف زیاد فرآورده‌های بابونه رومی، تهوع و استفراغ ایجاد می‌کند.

Apium graveolens L.

A. Celleri Gaertn. v Seseli graveolens Scop.

کرفس^(۱)، گیاهی است از تیره جعفری (Umbelliferae) که ریشه آن اثر مدر، مقوی- معده، ضد اسکوربوت، نیرو دهنده و صفرابر دارد و از این جهت قرن‌هاست که از آن، جهت رفع

۱- این نام بیشتر به نمونه پرورش یافته گیاه مذکور (Celeri)، اطلاق می‌شود که در واقع وارثه‌ای از آن به نام *Var. dulce DC.* می‌باشد.

استسقاء، خیز عمومی بدن، رماتیسم و رفع عوارض مربوط به زیاد بودن اسید اوریک، رفع نفخ و موارد مختلف دیگر استفاده به عمل می‌آید. گلوکزیدی به نام آپی‌ئین *Apiine* در ریشه آن وجود دارد که همه اختصاصات اعضای زیرزمینی گیاه مربوط به آن است. برگ و دانه گیاه نیز به مصارف درمانی می‌رسند.



ش ۶-۴ - *Apium graveolens*: دو قسمت از گیاه کامل (اندازه طبیعی)
برش قائم سیوه (زیر ذره‌بین)

گیاهی است علفی، دوساله و دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۲۰ تا ۶۰ سانتیمتر که به حالت خودرو در زمینهای نمکدار، حاشیه سردابها، آبهای نمکدار سواحل دریاها و غیره می‌روید. برگها

آن شفاف، نسبتاً ضخیم و گل‌های آن کوچک، به رنگ سفید یا سفید مایل به سبز و مجتمع به صورت چتر مرکب اند. با آنکه پراکندگی زیاد در نواحی مختلف اروپا، امریکای جنوبی، افریقا و آسیا، منجمله ایران دارد معهداً برای مصارف مختلف درمانی پرورش می‌یابد.

پرورش آن در زمینهای مرطوب و خاکبرگ‌دار صورت می‌گیرد و اگر زمین، به مقدار کم، آهک داشته باشد پرورش گیاه بهتر انجام می‌گیرد. در غیر این صورت، زمینهای آبرفتی و دارای کود کافی نیز می‌تواند برای زراعت انتخاب شود. باید توجه داشت که نوع پرورش یافته، فاقد قسمتی از اختصاصات درمانی گیاه می‌گردد (کرفس پرورش یافته).

تکثیر آن بدین نحو است که در فروردین ماه، دانه‌های تازه (میوه) و رسیده گیاه را در محلی مساعد می‌کارند و آنرا از یک قشر نازک خاک می‌پوشانند، سپس با قطعه چوب پهن و مسطح، ضربات ملایم بدان وارد می‌آورند تا دانه‌ها به زمین بچسبند. پس از آنکه دانه‌ها نمو حاصل کرد و گیاه جوان ۲ یا ۳ برگی بوجود آمد، فاصله آنها را با حذف بعضی از پایه‌ها، زیاد می‌کنند بطوری که هر گیاه بین ۲۰ تا ۴۰ سانتیمتر از همه جهات با دیگری فاصله داشته باشد و یا آنکه آنها را در استداد خطوطی به فواصل ۰ تا ۴۰ سانتیمتر می‌کارند و سپس فاصله بین گیاهان جوان را به همان اندازه که ذکر شد در نظر می‌گیرند.

برگ، دانه و ریشه گیاه به مصارف درمانی می‌رسد. اساس دانه گیاه بیشتر از ریشه آن است.

موقع برداشت محصول، برگ گیاه را قبل از ظاهر شدن گل می‌چینند و در سایه به صورت قشر نازکی، در محل مناسب انبار که به خوبی تهویه می‌شود، می‌گسترانند تا خشک گردد. دانه‌های (میوه‌ها) گیاه را پس از رسیدن کامل باید چید. ریشه گیاه باید در سال دوم و در ماههای آبان و آذر از پایه‌هایی که هنوز به گل نشسته و بعلاوه از برگهای آنها نیز استفاده به عمل نیامده است، به دست آید. برای این کار آنها را از زمین خارج می‌کنند و پس از شستن، به قطعاتی به قطر ۰ تا ۲ سانتیمتر در می‌آورند و تحت اثر گرمای خورشید، خشک می‌نمایند.

از بین گیاهانی که در عین حال به مصارف غذایی و درمانی می‌رسند، بادام زمینی را باید نام برد ولی چون اینگونه گیاهان بیشتر مصارف غذایی دارند و ارزش درمانی آنها چندان قابل ملاحظه نیست، از این جهت به شرح مختصر آنها اکتفا شده است.

Arachis hypogaea L.

بادام زمینی، گیاهی مفید، با ارزش غذایی زیاد، یکساله، دارای ساقه خوابیده و راست،

به ارتفاع ۳۰ تا ۵۰ سانتیمتر است که به تیره نخود (*Leguminosae*) تعلق دارد. تصور می‌کنند که منشاء اولیه آن در برزیل بوده است ولی امروزه به منظور استفاده از روغن دانه آن،



ش ۴۷ - *Arachis hypogaea*: گیاه کامل گلدار و میوه‌دار

در غالب نواحی پرورش می‌یابد. بادام زمینی ۲ نوع گل، یکی بزرگ به رنگ زرد (غیر زایا) و دیگری کوچک و واقع بر روی ساقه‌های خوابیده (زایا) دارد. پوسته دانه و لپه‌های آن دارای

ویتامین های B₁ و D است. تکثیر آن از طریق کاشتن دانه در زمینهای سبک، باسه دار، نسبتاً مرطوب و کوددار (دارای مواد ازته فراوان) صورت می گیرد. آبیاری زمین زراعتی اگر زراعت آن در منطقه خشک انجام گیرد الزامی است.

گونه های فرعی و واریته های متعددی از *A. hypogaea* (طبق بررسی های *A. Chevalier*)، در نواحی مختلف پرورش می یابد که مهمترین آنها به شرح زیر است:

Subsp. *africana* - I شامل نمونه هایی با ساقه های خوابیده در سطح زمین و واریته های متعدد زیر است:

۱- *Var. africana A. Chev.* - این واریته بیشتر در سنگال پرورش می یابد و دارای دو واریته فرعی بنام های *pallida A. Chev.* و *rubra A. Chev.* است.

۲- *Var. robustior A. Chev.* - ساقه های قوی تر از واریته قبلی و میوه هایی بتعداد کم ولی درشت تر از آن تولید می کند. واریته های امریکائی را که میوه های درشت دارند می توان در این گروه جای داد.

۳- *Var. microcarpa A. Chev.* - میوه های بسیار کوچک این واریته، محتوی یک دانه به بزرگی نخود است.

۴- *Var. stenocarpa A. Chev.* - میوه های دراز و محتوی ۳ - ۴ دانه تولید می کند و در افریقای غربی پراکندگی دارد.

II - Subsp. *asiatica* Lour. - این گونه فرعی شامل نمونه هایی با ساقه های قائم و غالباً پوشیده از تارهای خشن است. میوه های مجتمع در قاعده ساقه و اطراف ریشه اصلی دارد. واریته های مهم آن به شرح زیر است:

الف- *Var. erecta A. Chev.* - ساقه های قائم و اعضای پوشیده از تارهای خشن دارد. در امریکا، مخصوصاً در اتازونی پرورش می یابد.

ب- *Var. macrocarpa A. Chev.* - ساقه های قائم و میوه های بسیار ستورم و گاهی حجیم، به طول ۳ سانتیمتر و به قطر ۲ سانتیمتر دارد.

علاوه بر *A. hypogaea*، گونه های دیگری مانند *A. Nambiguarae* Hoehne نیز وجود دارد که در امریکا پرورش می یابد. دانه اش به رنگهای مختلف و دارای وزن زیاد است بطوری که هر ۱۰۰ عدد دانه آن بطور متوسط ۳۵۷ گرم وزن دارد در حالی که هر ۱۰۰ عدد دانه از نژاد واریته های گونه قبلی بطور متوسط، به وزن ۵۷ تا ۷۰ گرم می باشد. بررسی های Mlle M. Th. François نشان داد که دانه آن محتوی ۸٪ درصد ماده روغنی است.

پرورش بادام زمینی و استخراج روغن از آن در غالب نواحی کره زمین مخصوصاً سنگال، و سودان معمول است. این عمل در نواحی مختلف ایران نیز انجام می گیرد.

Archangelica officinalis (L.) Hoffm.

Angelica Archangelica L.

آنژیلیک، گیاهی است علفی، دوساله، دارای رشد زیاد و از تیره جعفری (*Umbelliferae*) که به حالت وحشی و خودرو در نواحی مرطوب و کنار جریانهای آب نواحی شمالی اروپا و گروئنلند می روید. پراکندگی آن بیشتر در شبه جزیره اسکاندیناوی و کوهستانهای نواحی مرکزی اروپا تا روسیه وسطی است. در ایران نمی روید.

آنژیلیک ساقه شیاردار و استوانه ای شکل، به رنگ سبز مایل به قرمز و برگهایی پهن با بریدگیهای زیاد دارد. گلهای آن به رنگ سبز مایل به زرد می باشد. پرورش آنژیلیک به علت مصارف زیادی که در طب عوام دارد در غالب نواحی متداول است. برگ و ریشه آنژیلیک بیشتر از ساقه و میوه آن در درمان بیماریها مورد استفاده قرار می گیرد.

ریشه آنژیلیک به علت دارا بودن اسانس و مواد مؤثر مختلف، اثر نیرو دهنده، مقوی، ضد تشنج، بادشکن، معرق، خلط آور و قاعده آور دارد و از قدیم الایام چنین شهرت داشته که با جویدن ریشه آن، بعضی بردان تاریخی، طول عمر یافته اند. اسانس آن مقوی معده و بادشکن است. میوه آنژیلیک که به غلط دانه خوانده می شود، در ساختن برخی شروبات مورد استفاده قرار می گیرد. ساقه و دمبرگ تازه آن در قنادی مصرف دارد.

پرورش آنژیلیک در زمینهای شنی کوددار، نسبتاً مرطوب و آفتابگیر که آب به سهولت از آن عبور نماید، به راحتی صورت می گیرد. زمینهای رستی غیر قابل نفوذ، برای زراعت آن مناسب نیست.

تکثیر آنژیلیک به وسیله دانه آن^(۱) که در اواخر تابستان، بلافاصله پس از رسیدن به دست آمده باشد انجام می گیرد. دانه ها را باید حتی الامکان زودتر کاشت زیرا قوه ناسیه آنها، مدت زیادی دوام پیدا نمی کند.

۱- چون میوه خشک عده ای از گیاهان تیره های مختلف مانند آلاله، جعفری، کاسنی و غیره اصطلاحاً دانه نامیده می شود حتی در بعضی کتب علمی نیز به جای میوه، کلمه دانه به کار رفته است، از این جهت در این کتاب نیز کلمه دانه به آنچه که به عنوان بذر کاشته می شود (اعم از میوه یا دانه) اطلاق گردیده است.

دانه‌های رسیده آنزلیک را معمولاً مدت کمی پس از جمع‌آوری، به تفاوت در فاصله اواخر مرداد تا آذرماه در زمین مساعد می‌افشانند و روی آنها را از یک قشر نازک خاك می‌پوشانند. بعداً پس از آنکه گیاه جوان حاصل شد، آنها را در بهار، بر روی خطوط موازی به فواصل ۷۰ ر. متر نشا می‌کنند. در بعضی نواحی نیز به تناسب آب و هوای محل، دانه‌ها را در بهار می‌کارند و در آذرماه نشا می‌کنند.



ش ۸-۴ : *Archangelica officinalis* : سرشاخه گلدار و برگ (اندازه‌های طبیعی)

مجموعه میوه‌ها

از نکاتی که باید همواره در نظر گرفت آن است که آبیاری و خارج کردن علفهای هرزه دقیقاً صورت‌گیرد تا نتیجه مطلوب از پرورش گیاه به دست‌آید. معمولاً گیاه، در سال اول گل‌می‌دهد ولی چون اعضای زیرزمینی گیاه، رشد کافی در این هنگام حاصل نموده، از آن برای بهره‌برداری

استفاده نمی‌شود. در آغاز سال دوم، ساقه‌های سال اول را قطع می‌کنند و فقط ساقه اصلی و مرکزی آن را باقی می‌گذارند تا رشد کافی حاصل کند.

چون قسمت مورد استفاده این گیاه، ساقه، میوه، و مخصوصاً ریشه آن است، لذا در جمع‌آوری محصول، زمان برداشت را باید دقیقاً در نظر گرفت. معمولاً ساقه گیاه را در سال دوم و میوه آن را در مرداد ماه پس از رسیدن کامل می‌چینند و برای این کار نیز سرشاخه‌های گلدار را قطع نموده، چند روزی آنها را در معرض گرمای خورشید قرار می‌دهند تا جدا کردن میوه‌ها از ساقه به سهولت صورت‌گیرد. سپس میوه‌ها را (دانه‌ها را) پس از پیش‌زدن و خارج کردن ناخالصی از آنها، در سایه خشک می‌نمایند تا رنگ سبز طبیعی آنها زایل نگردد.

ریشه آنزلیک را که تنها قسمت درمانی و ارزنده گیاه است، پس از خارج کردن از زمین به خوبی می‌شویند و سپس به قطعاتی تقسیم کرده طبق دستور کلی خشک می‌نمایند. باید توجه داشت که ریشه آنزلیک به علت اسفنجی بودن و داشتن آب فراوان، ۷۰ تا ۷۵ درصد وزن خود را پس از خشک شدن، از دست می‌دهد.

Arctium Lappa L.

Lappa major Gaertn. ، A. majus Bernh.

باردان (*Bardane*) یا **باب‌آدم** از گیاهانی است که شهرت درمانی زیاد در طب عوام دارد و بعلاوه از قدیم‌الایام مورد استفاده مردم جهان قرار می‌گرفته است. از ریشه نسبتاً قطور آن که به رنگ قهوه‌ای و طعم تلخ و لعابی دارد، در طبابت به عنوان تصفیه‌کننده خون، مدر، معرق و رفع ناراحتیهای جلدی و رماتیسم استفاده به عمل می‌آید.

باردان، گیاهی علفی، بزرگ، دو ساله و از تیره کاسنی (*Compositae*) است. ساقه منشعب آن به ارتفاع ۱ متر و حتی بیشتر می‌رسد. برگهایی متناوب با پهنک بسیار بزرگ (در قاعده ساقه) و به ابعاد مختلف از قاعده ساقه تا ناحیه رأس دارد. کاپیتولهای آن ارغوانی رنگ اند و در داخل براکته‌های متعدد قلاب‌دار نیز جای دارند.

باردان، در هر زمینی مشروط بر آنکه کمی سفت و دارای کود نسبتاً کافی باشد، رشد می‌کند. کودهایی که تجزیه کافی حاصل کرده باشند و بعلاوه کودهای شیمیائی ازت دار برای پرورش آن بسیار مناسب‌اند.

تکثیر آن از طریق کاشتن دانه در زمینهای رستی-آهکی که قبلاً در پائیز به عمق ۴۰ ر. تا ۵۰ ر. متر برگردان شده باشد و بعلاوه کود کافی بدان داده باشند، صورت می‌گیرد.

از هر پایه سالم گیاه معمولاً معادل ۲۰ گرم دانه (میوه) به دست می‌آید. این دانه‌ها به مجردی که به سطح زمین بیافتند شروع به رویش می‌نمایند. قوه نامیه دانه‌ها ۵ سال دوام دارد. دانه باردان را در ماه شهریور، بلافاصله پس از جمع‌آوری، در زمین زراعتی می‌کارند بدین نحو که آنها را در امتداد خطوطی به فواصل ۶۰ سانتیمتر، در داخل حفره‌های کوچک به عمق ۷ سانتیمتر، به نحوی می‌کارند که در هر فاصله ۲ تا ۲۵ سانتیمتری، تعداد ۳ تا ۴ دانه درون حفره کاشته شود. سپس به سلایمت غلطک می‌زنند تا دانه‌ها به زمین بچسبند. باین طریق پس از آنکه دانه‌ها، (میوه‌ها) رشد کافی حاصل کردند و گیاه جوان از رویش آنها پدید آمد، با حذف کردن پایه‌های اضافی، فاصله آنها را از یکدیگر معادل ۷ سانتیمتر می‌نمایند.

در بعضی نواحی، دانه‌ها را بدون آنکه درون حفره‌ای بکارند، در سطح زمین زراعتی، می‌پاشند و پس از آنکه گیاه جوان از رویش دانه‌ها حاصل شد، فاصله آنها را به صورتی درمی‌آورند که هر گیاه با پایه مجاور خود، ۶۰ - ۸۰ سانتیمتر از هر طرف فاصله داشته باشد. در هر دوسوم مذکور، پس از کاشتن دانه، به سلایمت روی آنها را غلطک می‌زنند تا سطح دانه، از یک قشر نازک یک سانتیمتری خاک پوشیده گردد.

باید توجه داشت، در سواردی که زمین وسیعی به پرورش این گیاه اختصاص داده می‌شود، باید عمل بذر افشانی را به کمک دستگاه‌های مکانیکی مخصوص انجام داد.

در بعضی موارد، دانه (میوه) گیاه را ابتدا در قطعه زمین آماده‌ای می‌کارند و پس از گذشت یک ماه و گاهی بیشتر، که گیاههای جوان از نمو دانه‌ها حاصل گردید، آنها را در زمین زراعتی نشا می‌کنند، به نحوی که حتی المقدور هر پایه از دیگری فاصله کافی داشته باشد.

آبیاری و اصلاح زمین زراعتی و همچنین کندن علفهای هرزه باید پیوسته در طی دوران نمو گیاه انجام گیرد تا رشد کامل پایه‌های جوان به خوبی تأمین شود.

برداشت محصول یعنی خارج کردن ریشه گیاه از زمین، معمولاً هنگامی صورت می‌گیرد که گیاه ۱۸ ماهه باشد. برای این کار در بهار، قبل از ظاهر شدن دستگاه زایای گیاه، ریشه‌ها را از زمین خارج می‌کنند زیرا اگر این عمل بتأخیر افتد، ریشه سخت می‌شود و اثر درمانی آن کاهش می‌یابد.

خارج کردن ریشه‌ها از زمین به وسیله چنگالهای فلزی قوی که بتوانند در عمق نسبتاً زیاد زمین فرو رود، باید در نهایت دقت انجام گیرد تا ریشه‌ها به وضع سالم از زمین کنده شوند. پس از خارج نمودن ریشه‌ها از زمین نیز باید آنها را مدتی به حال خود گذاشت تا گل برطوب اطراف ریشه که بدان چسبیده است، خشک گردیده به سهولت از آن جدا شود. پس از انجام

این کار، قسمت هوایی گیاه را قطع می‌کنند و ریشه‌ها را پس از شستن، به صورت قطعات کوچک در آورده در معرض گرمای خورشید قرار می‌دهند و یا آنکه در صورت امکان، به وسیله دستگاههای مخصوص که هوای خشک در آنها جریان دارد، ریشه گیاه را خشک می‌کنند.

در بعضی نواحی از برگهای گیاه نیز استفاده به عمل می‌آید و حتی از نوع تازه آنها، به مقادیر کم در تغذیه استفاده می‌شود. برای این منظور، چیدن برگها اگر مورد پیدا نمود، باید موقعی انجام گیرد که گیاه را جهت استفاده از ریشه آن، از زمین خارج می‌کنند. خشک کردن برگ باردان به سهولت در محلی از انبار که به خوبی هوا جریان داشته باشد، صورت می‌گیرد.



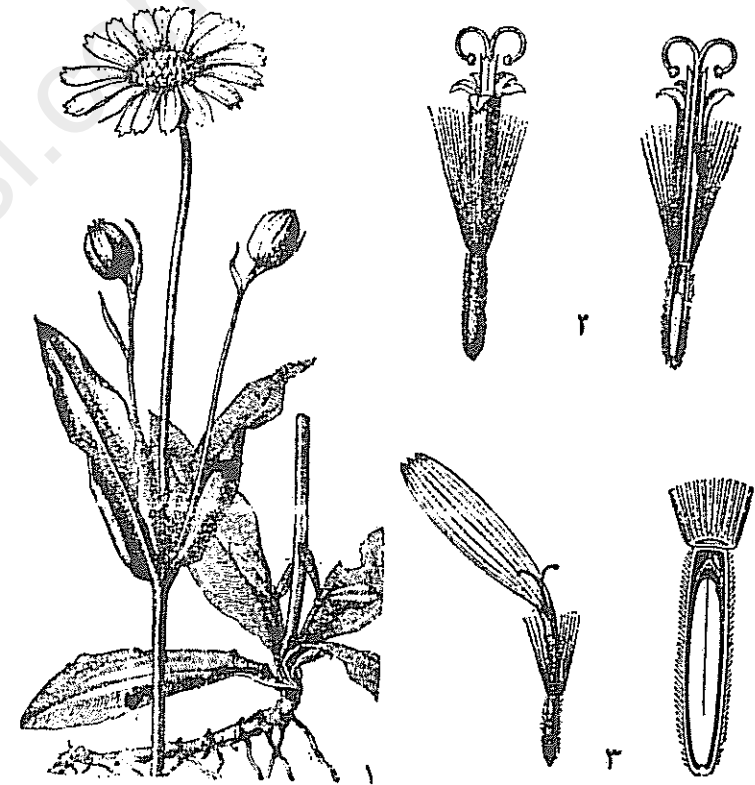
ش ۹ و ۷ - Arctium Lappa : سرشاخه گلدار - میوه

صرف ریشه بابا آدم، در ایران چندان معمول نیست و شاید اصولاً این گیاه چندان مورد شناسائی مردم نباشد.

این گیاه در منطقه وسیعی از مناطق کوهستانی و یادر ارتفاعات کم شمال ایران مانند گیلان، مازندران، گرگان، آذربایجان، همچنین در خراسان و بعضی از نواحی جنوب ایران پراکندگی دارد.

Arnica montana L.*Doronicum arnica* Desf. ، *D. oppositifolium* Lam.

آرنیکا، گیاهی علفی، چند ساله و از تیره کاسنی (Compositae) است. کاپیتولها، برگ و ریزوم آن، اثر نیرو دهنده اعصاب و معرق دارند و از آنها، جهت تسکین هیجانانگیز و



ش. ۵- *Arnica montana* : دو قسمت از گیاه کامل گلدار (اندازه‌های طبیعی)

گل لوله‌ای و برش قائم آن - گل زبانه‌ای - برش قائم میوه

شوک‌های ناشی از سقوط یا صدمات جسمانی وضعف مفرط استفاده می‌شود ولی مصرف آن بیشتر، جهت رفع کوبیدگیهای جسمانی ناشی از ضربت، خون مردگی و پیچ خوردگی مفاصل در استعمال خارج است.

گیاهی به ارتفاع ۵۰ تا ۶۰ سانتیمتر دارای ریزومی افقی در داخل خاک است. ساقه آن معمولاً به یک گل منتهی می‌شود. از مشخصات آن این است که برگ گسترده در سطح زمین دارد که از وسط آنها، ساقه گلدار خارج می‌شود. در بعضی پایه‌ها نیز از طرفین ساقه و از کناره دو برگ متقابل آن، یک یا دو دمگل منتهی به کاپیتولهای کوچکتر از کاپیتولهای اصلی، ظاهر می‌شود. برگهای آرنیکا، ساده و موجدار و پوشیده از کرک در سطح فوقانی پهنک می‌باشند. کاپیتول آن بزرگ، زیبا و مرکب از یک ردیف گل زبانه‌ای به رنگ طلایی یا نارنجی در حاشیه، و گلهای لوله‌ای فراوان در داخل است. آرنیکا به حالت وحشی در زمینهای سیلیسی نواحی کوهستانی آلپ و پیرنه می‌روید. در کشور ما یافت نمی‌گردد.

پرورش آن در زمینهای سیلیسی سبک، سایه دار، شخم زده و در ارتفاعات، با کاشتن دانه (میوه) آن، در اواخر اسفندماه تا اوایل فروردین ماه صورت می‌گیرد. پس از کاشتن دانه، گیاههای جوان متعددی نتیجه می‌شود که باید آنها را در زمین زراعتی، در امتداد خطوطی به فواصل ۳ سانتیمتر به نحوی نشا کرد که فاصله هر گیاه جوان از دیگری، لااقل ۲۰ سانتیمتر باشد. این عمل باید در فاصله ماههای سرداد و شهریور صورت گیرد.

معمولاً در هر هکتار زمین زراعتی مرغوب، به روشی که ذکر شد، معادل ۱۵۰ هزار پایه کاشته می‌شود که از مجموعه آنها بطور متوسط در حدود ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ کیلوگرم کاپیتول به دست آید.

زمان برداشت محصول، اهمیت فراوان در بهره‌برداری از این گیاه دارد زیرا اگر توجه دقیق در این باره به عمل نیاید، نتیجه مطلوب به دست نخواهد آمد. کاپیتولهای آرنیکا باید موقعی چیده شوند که گل‌های کناری کاپیتولهای (گل‌های زبانه‌ای) هنوز شکفته نشده باشند یعنی در واقع هنگامی باید اقدام به برداشت محصول کرد، که کاپیتولها حالت بسته داشته باشند. زیرا کاپیتولهای ناشکفته پس از آنکه در گرمخانه قرار گرفتند، تحت اثر گرمای ملایم شکفته گردیده، حالت طبیعی کاپیتولهای شکفته را پیدا خواهند نمود، مشروط بر آنکه کمی قبل از شکفتن چیده شوند.

چون از انواع وحشی آرنیکا، به مقدار نسبتاً زیاد می‌توان بهره‌برداری به عمل آورد از این جهت، پرورش آن چندان متداول نیست. آرنیکا به علت داشتن کاپیتول درشت و زیبا، در بعضی نواحی به عنوان زینت نیز، پرورش می‌یابد.

Artemisia Absinthium L.

Absinthium vulgare Lam. ، A. officinale Brot.

تحت نام Absinthes یا افسنتین، گونه‌های مختلفی از Artemisia به شرح زیر :

۱- A. Absinthium L. یا افسنتین بزرگ * (Grande Absinthe).

۲- A. maritima L. یا افسنتین دریائی (Absinthe maritime).

۳- A. pontica L. یا افسنتین کوچک (Petite Absinthe).

مورد استفاده‌های درمانی متفاوت قرار می‌گیرند. اسانسی به رنگ سبز نیز از آنها تهیه می‌شود که طعم تلخ، بوی قوی و اثر سمی دارد. نوع داروئی و مهم ۳ گیاه مذکور، گونه اول آنها یعنی افسنتین بزرگ است که هنوز هم در بعضی نواحی پرورش داده می‌شود. این گیاه چون به نام افسنتین نیز در کتب علمی نامیده شده است، از این جهت در زیر به شرح آن به همین نام مبادرت می‌شود.

A. Absinthium یا افسنتین، گیاهی چندساله از تیره کاسنی (Compositae) است. ساقه‌ای به ارتفاع ۰.۴ تا ۰.۶ متر و حتی بیشتر دارد که بر روی آن کاپیتولهای کوچک فراوان ظاهر می‌شوند. به حالت خودرو و به صورت بوته‌های پرپشت، در اراضی بایر و کنارجاده‌های غالب نواحی فرانسه و بطور کلی اروپای مرکزی و همچنین در افریقای شمالی و ایران و سیبری می‌روید.

قسمت مورد استفاده آن از نظر درمانی نیز برگ و سرشاخه‌های گلدار گیاه است.

افسنتین، اثر مقوی، مقوی قلب، مدر، قاعده‌آور، ضد کرم و ضد عفونی کننده دارد و از آن نتایج خوب در رفع اسهالهای مزمن، نفخ و تب‌های نوبه گرفته می‌شود. فقط باید توجه داشت که اگر بیمار در مقابل مصرف آن عکس‌العمل نشان داد از ادامه مصرف خودداری گردد.

مصرف پایه‌های وحشی افسنتین بر انواع پرورش یافته آن باید ترجیح داده شود ولی چون بهره‌برداری از آن، نیازمندی بازارهای داروئی را تأمین نمی‌کند، از این جهت در برخی نواحی اروپا مخصوصاً در اطریش و هنگری، اقدام به پرورش آن می‌شود. پرورش افسنتین سابقاً در فرانسه، مخصوصاً در اطراف پاریس توسعه زیاد داشته ولی بعداً به علت منع مصرف نوعی لیکور به نام افسنت (Absinthe) که از آن تهیه می‌شد، استفاده از گیاه و در نتیجه پرورش

* افسنتین بزرگ، به نامهای مختلف دیگری مانند افسنتین یا افسنتین تلخ نامیده

می‌شود.

آن کاهش کلی پیدا نمود.

تکثیر افسنتین در زمینهای آهکی- رستی و به وسیله دانه یا قطعات سوش پایه‌های بسن صورت می‌گیرد. زمین زراعتی آن باید نسبتاً خشک و در معرض تابش خورشید باشد. هوای سرد، رشد گیاه را کم می‌کند.



ش ۵۱ - Artemisia Absinthium : سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی)

دانه‌های افسنتین را در فروردین تا اوایل اردیبهشت در محل مناسبی می‌کارند و پس از آنکه گیاه جوان حاصل شد، آنها را در محلی نشا می‌کنند و پس از آن که یک سال گذشت

و گیاه جوان، رشد کافی پیدا نمود، در ماه فروردین، بعد از که تازه کردن طول ساقه و ریشه‌های دراز گیاه، آنها را به زمین آماده‌ای که به خوبی شخم زده و عاری از علنیهای هرزه شده باشد انتقال می‌دهند. به این زمین قبل از انتقال گیاه، باید کود کافی نیز داده شود تا موجبات رشد سریع و کامل گیاه از هر لحاظ فراهم گردد. در موقع انتقال، باید توجه داشت که گیاهان بر روی خطوطی موازی به فواصل ۵۰ تا ۶۰ سانتیمتر، به نحوی کاشته شوند که فاصله هریک از دیگری لااقل ۳۳ سانتیمتر باشد. به این ترتیب در طول هر یک متر، ۳ گیاه و در هکتار زمین، معادل ۵۰ تا ۶۰ هزار پایه کاشته می‌شود.

آبیاری زمین زراعتی در سواحل گرمای شدید هوا که زمین خشک می‌گردد، اسری الزامی است زیرا بدون رعایت آن، گیاه آسیب کلی می‌بیند و رشد کافی پیدا نمی‌کند ولی در سال چهارم چون گیاه به حالت پر پشت در می‌آید و در نتیجه ایجاد سایه می‌کند، انجام این عمل ضروری نمی‌باشد. باقطعات سوش که از گیاهان سن معمولاً در سال چهارم جدا می‌گردد، نیز می‌توان اقدام به پرورش گیاه نمود.

برداشت محصول، دو مرتبه، یکی قبل از شکفتن گل یعنی در فاصله ماه‌های اردیبهشت و خرداد، هنگامی که مجموعه گل‌ها به صورت غنچه است و دیگری در شهریور و گاهی اواخر مرداد انجام می‌گیرد. معمولاً نخستین محصول، مرغوبتر است و بر محصول بعدی ترجیح داده می‌شود.

برای مصارف درمانی باید بلافاصله پس از چیدن و قطع سرشاخه‌های گیاه، آنها را در دستگاه‌های ساده که در آنها هوای خشک جریان دارد، خشک نمود. اگر ذر عمل کشت و اصلاح زمین، مراقبت‌های لازم به عمل آید، می‌توان ۳ تا ۴ سال بهره‌برداری را ادامه داد. مقدار محصول در سالهای مختلف بهره‌برداری به شرح زیر تفاوت دارد:

در سال اول از هر هکتار زمین، معادل ۱۲۰۰ کیلوگرم محصول (برابر ۰۰۰ کیلوپس از خشک شدن)، در سال دوم ۲۰۰۰ کیلو (برابر ۶۰۰ کیلو پس از خشک شدن) و در سال سوم ۱۵۰۰ کیلوگرم (برابر ۵۰۰ کیلو پس از خشک شدن) می‌توان به دست آورد.

مصرف افسنتین در بین مردم ایران چندان معمول نیست بطوری که از وسعت‌های پهناوری از کشور که پوشیده از این گیاه است، بهره‌برداری کافی به عمل نمی‌آید. در بعضی از دامنه‌های خشک البرز و نواحی دیگر ایران، بدان برخورد می‌شود.

Artemisia maritima Var. *pauciflora* Ledeb. * سمن کمترا، گیاهی به ارتفاع

۲۰ تا ۴۰ سانتیمتر و دارای برگهای ریز و کاپیتولهای کوچک و متعدد است. برگهای ریز،

فشرده به هم و پوشیده از کرک دارد. کاپیتولهای آن به حالت ناشکفته چیده می‌شود زیرا مقدار سانتونین آنها پس از شکفتن، کم می‌گردد. منشاء، اصلی این گیاه، ترکستان روس، در ارتفاعات ۱۰۰۰ متری می‌باشد.

از پرورش این گیاه نتیجه قابل ملاحظه حاصل نمی‌شود زیرا بر اثر این کار، ماده مؤثر کاپیتولها (سانتونین)، کاهش کلی پیدامی‌کند و یا آنکه ممکن است اصولاً گیاه واجد مقادیر بسیار جزئی از آن گردد. به همین دلیل است که بهره‌برداری، منحصرأ از انواع خودروی آن صورت می‌گیرد.

در ایران، گونه‌ای از گیاه فوق به نام *Artemisia cina* Berg. در کرمان و نواحی نیمه کوهی وجود دارد که آن نیز دارای کاپیتولهای بسیار ریز و کوچک است. در این کاپیتولها، معادل ۲۰ تا ۳۰ درصد گاهی بیشتر، سانتونین طبق بررسیهایی که Janot و Gauthier در سال ۱۹۳۵ میلادی به عمل آوردند، وجود دارد. سرشاخه گلدار این گیاه در بازارهای ایران تحت نام *درمنه*، به مصارف درمانی می‌رسد.

Artemisia pontica L. ، اصولاً پرورش نمی‌یابد و از پایه‌های خودروی آن برای مصارف درمانی، بهره‌برداری می‌شود.

Artemisia vulgaris L. که برنجاسف نامیده می‌شود، گیاهی به ارتفاع ۲۰ تا ۱۰۰ متر می‌باشد. برگهایی بزرگ با بریدگیهای عمیق و کاپیتولهای کوچک دارد. به علت پراکنندگی زیاد اصولاً پرورش نمی‌یابد، مع هذا اگر این کار ضرورت پیدا نمود، می‌توان از طریق کاشتن دانه (میوه) گیاه اقدام به پرورش آن کرد. زمین‌های سبک و اصلاح شده و آفتابگیر برای پرورش آن کاملاً مناسب می‌باشد.

دو گیاه اخیر با آنکه پراکنندگی زیاد در نواحی مختلف ایران دارند مع هذا چون مورد شناسائی مردم نیستند، از آنها برای مصارف درمانی استفاده به عمل نمی‌آید. در بازارهای ایران نیز کمتر بدانها برخورد می‌شود فقط در بعضی نواحی با توجه به تجاربی که مردم دارند ممکن است بندرت از آنها استفاده شود.

گونه‌های مختلف دیگری از این گیاهان وجود دارند که هیچیک در زمان حاضر به مصارف درمانی نمی‌رسند.

Artemisia Dracunculus L.

ترخون گیاهی از تیره کاسنی و دارای خواص پزشکی و مصارف تغذیه است. به صورت

خام در سالاد مصرف می‌شود. برای معطر ساختن اغذیه در صنعت تهیه مواد خوراکی نیز از آن استفاده می‌گردد.

اسانس ترخون، رنگ زرد عنبری دارد و به مصارف مختلف می‌رسد. برای تهیه آن از گیاه تازه، پس از رشد کامل گیاه و کمی قبل از خاتمه گل دادن و به مجرد باز شدن نخستین کاپیتول استفاده می‌گردد.

چون ترخون دانه تولید نمی‌کند، تکثیر آن از طریق خوابانیدن ساقه گیاه، قلمه زدن یا جدا کردن ساقه‌های ریشه‌دار صورت می‌گیرد.

قلمه زدن گیاه باید با استفاده از شاخه‌های ترد، جوان و چوبی نشده صورت گیرد. قلمه‌ها را در شاسی یا در قشری از خاک آماده که بتوان روی آنرا با سرپوشی پوشانید صورت می‌گیرد. تکثیر از طریق خوابانیدن باید موقعی صورت گیرد که ساقه به ارتفاع ۳ سانتیمتر رسیده باشد و از مخلوط ماسه و خاک نرم برای این کار استفاده گردد. با این عمل به سرعت، ریشه در قاعده ساقه ایجاد می‌شود و پس از آنکه پیدایش ریشک‌ها، کافی بنظر رسید باید ساقه ریشه دار را جدا کرده در زمین زراعتی با رعایت فاصله ۶-۸ سانتیمتر کاشت.

تکثیر از طریق قطعات سوش باید در بهار، هنگامی صورت گیرد که ساقه‌ها دارای ۲۰ سانتیمتر ارتفاع باشند. در این هنگام ساقه‌های ریزوم دار را با دقت جدا کرده در محلی محفوظ و آماده برای مدت یکسال جای دهند.

ترخون، زمین سبک، نرم، دارای کود کافی و قابل نفوذ نیاز دارد. برای انتقال گیاه به زمین اصلی باید پایه‌ها را بر روی خطوطی به فواصل ۸ سانتیمتر به نحوی کاشت که هر پایه از دیگری ۶ سانتیمتر فاصله داشته باشد و بعلاوه مرتباً آنرا آبیاری کرد. در زمستان قشری از کود حیوانی و در بهار ۳ تا ۵ کیلو نیترات سدیم بر حسب هر هکتار زمین زراعتی بکار برد. پرورش آن بیشتر به منظور استفاده به صورت خام در سالاد معمول است. به حالت پخته کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Asparagus officinalis L.

مارچوبه، گیاهی زیبا، پایا و از تیره مارچوبه (Asparagaceae) است. شاخه‌هایی باریک و دراز (شاخه‌های تحلیل یافته)، به صورت دسته‌های ۳ تا ۸ تایی دارد که از نظر شکل ظاهری، به برگهای نازک و باریک شباهت دارند. مارچوبه دارای گل‌هایی به وضع آویخته، به رنگ سبز مایل به زرد و سیوه‌ای به رنگ قرمز زیباست.

سوش و اعضای زیرزمینی به علت سدر بودن دارای مصارف درمانی ولی جوانه‌های آن که در بهار از ریشه‌های خزنه گیاه به وضع قائم خارج می‌گردند (Turions) و مملو از اندوخته‌های مختلف غذایی می‌باشند، دارای مصارف تغذیه‌اند. از این جهت پرورش این گیاه برای دو منظور فوق می‌باشد. ریزوم آن نباید برای بیماران مبتلا به عوارض کلیه و ناراحتی‌های عصبی تجویز گردد.

تکثیر مارچوبه از طریق کاشتن قطعات ریزوم یا دانه گیاه در زمینهای سبک، قابل نفوذ و شنی (فاقد قطعات درشت سنگ و غیره) صورت می‌گیرد. افزودن فضولات پرنده‌گان، مانند گوانو و خاک برگ، در تقویت زمین جهت این کار ضرورت دارد، مشروط بر آنکه کود و خاک برگ، ضمن شخم زدن عمیق (بعمق ۵ سانتیمتر)، به خوبی با خاک مخلوط شود. از اختصاصات دانه گیاه آن است که قوه نامیه آن به مدت ۵ تا ۷ سال حفظ می‌گردد.

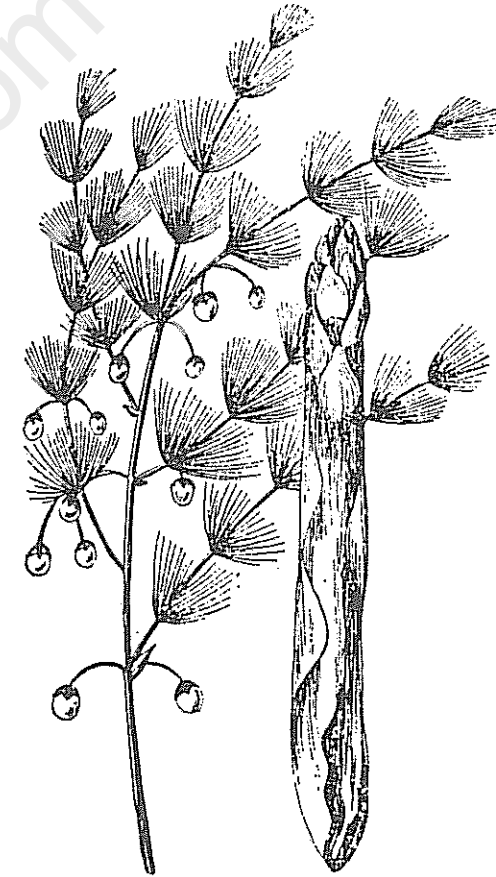
دانه مارچوبه را معمولاً قبل از کاشتن، با ماسه نرم مخلوط می‌کنند، سپس آنرا در زمین مساعدی که قبلاً آماده نموده‌اند می‌کارند. پس از انجام این کار، بلافاصله دانه‌ها را از یک قشر نازک ۲ تا ۴ سانتیمتری خاک برگ سبک و غربال شده پوشانیده روی آنها را از یک قشر نازک کاه مستور می‌سازند، بعلاوه در مواقع خشکی هوا، به ملایمت آبیاری می‌کنند.

ترتیب کاشتن دانه مخلوط با ماسه به دو صورت انجام می‌گیرد، بدین نحو که یا آنها را بدون رعایت سرزمین، بر روی سطح زمین آماده شده می‌افشانند و یا آنکه آنها را درون شیاری واقع در امتداد یک خط مستقیم، در عمق ۴ سانتیمتری می‌کارند، به نحوی که هر شیاری در حدود ۱۲ تا ۱۵ سانتیمتر از دیگری فاصله داشته باشد. با این عمل معادل ۳۰ تا ۴۰ گرم دانه در هر آرزین کاشته می‌شود که تقریباً برابر یک دانه، برای هر ۳ تا ۴ سانتیمتر فاصله در سطح زمین است.

معمولاً چون دانه‌ها پس از پایان ۵ تا ۶ هفته، جوانه می‌زنند، از این لحاظ قبل از آنکه دانه برای کاشتن، مخلوط با ماسه شود، آنها را به مدت ۱۰ روز در داخل پارچه مرطوب به حالت خیس شده، تحت اثر گرمای ملایمی بین ۳ تا ۴ درجه قرار میدهند و یا قبل از دانه‌ها در قشرهای ماسه مرطوب، تحت اثر گرمای معتدل می‌گذارند تا پس از کاشتن، در مدت کوتاهی جوانه بزنند.

از رشد دانه‌ها، گیاهان جوانی به طول ۵ سانتیمتر پدید می‌آید. در این هنگام اگر دانه، بدون رعایت فاصله‌ای که ذکر شد در زمین زراعتی به حالت پراکنده باشند، باید فاصله گیاهان جوان حاصل را زیاد نموده به نحوی که هر یک از دیگری ۱ تا ۲ سانتیمتر فاصله داشته باشد. این عمل را

نیز باید بطور تدریجی در طی ۳ هفته و در نهایت دقت انجام داد تا ضمن خارج کردن گیاه جوان از زمین، به ریشه آن‌ها آسیبی وارد نیاید. ضمناً باید پس از خاتمه این عمل، در پایه هر گیاه مقداری خاک برگ سبک و غربال شده، مخلوط با خاکستر چوب قلیائی شده، ریخت و گاهگاه نیز علفهای هرزه را از زمین خارج نموده تا نمو آنها، مزاحمت برای رشد گیاه اصلی فراهم نیابد. در اواخر مهر و آبان، ساقه‌های جوان رویش یافته را که در این موقع رنگ زرد حاصل



ش ۲-۵ - *Asparagus officinalis* سرشاخه گلدار (طبیعی) - جوانه (C. E. Zem.)

نموده‌اند، از فاصله ۲ تا ۳ سانتیمتری سطح زمین قطع می‌کنند و بدلایمت روی آنها را شن-کش می‌کشند تا قشر نازکی از خاک، جایجاگردد.

اگر دانه‌ها به طریقه دوم، در عمق شیارها کاشته شده و در عمل رویش آنها نیز دقت کافی به عمل آمده باشد، معادل ۳۱۰۰ سوش قابل انتقال (Griffes) به زمین اصلی،

به دست می‌آید که آنها را در داخل گودالهای کوچک که کود کافی داشته باشند و یا در عمق شیارها می‌کارند. دلیل این کار آن است که سوش و ریشه گیاه، پیوسته خاصیت بالا آسند به سطح خاک را پیدا می‌کنند. از این جهت است که وجود مقداری خاک برگ در طرفین آنها، جهت پوشاندن قسمتهای لازم گیاه، ضرورت خواهد داشت.

فاصله بین شیارها که در عمق آنها، سوش‌ها کاشته شده است باید به وضعی در آید که عبور کارگران جهت انجام عملیات اصلاحی، به سهولت انجام گیرد.

معمولاً بهره‌برداری از سال سوم و چهارم آغاز می‌گردد ولی چیدن جوانه‌ها (Turions) که به تفاوت ممکن است به رنگ سفید و به طول ۱۰ تا ۳ سانتیمتر و یا به رنگ سبز و به طول ۵ تا ۶ سانتیمتر باشند (در این وضع با همان حالت سبز قابل مصرف است)، در نواحی مختلف مختصرتفاوتی بایکدیگر دارد مانند آنکه در اطراف پاریس، این عمل در اواخر خرداد آغاز می‌شود و مدت ۲ ماه نیز طول می‌کشد ولی در نواحی دیگر ممکن است به نحو دیگر با اختلاف کمی صورت بگیرد. پس از انجام این عمل بقیه قسمت هوائی گیاه را به حال خود باقی می‌گذارند تا اعضای زیرزمینی، رشد طبیعی خود را حاصل نمایند.

در پائیز قبل از شروع یخبندان، ساقه گیاهان بهره‌برداری شده را از چند سانتیمتری زمین قطع می‌کنند و عملیات اصلاحی را به نحوی انجام می‌دهند که نهال‌ها، از یک قشر نازک خاک و سپس کود مخلوط با کاه پوشیده شوند و بدین نحو از سرمای زمستان محفوظ بمانند. پس از خاتمه زمستان، مجدداً از خاک اطراف سوش‌ها جهت پوشاندن آنها به ضخامت ۱۰ تا ۲ سانتیمتر استفاده می‌کنند، بعلاوه به تناسب کودی که در پائیز داده بودند، مقداری کود شیمیائی یا نیترات سدیم مخلوط با نمک دریا بدان اضافه می‌نمایند.

برای مصارف درمانی، ریشه پایه‌های ۳ تا ۴ ساله را از زمین خارج می‌کنند زیرا در پایه‌های مسن، اعضای زیرزمینی حالت سخت و چوبی شده پیدا می‌نمایند. سوش‌های ریشه‌دار نیز که برای زراعت مورد استفاده قرار نگرفته، می‌توانند برای مصارف داروئی اختصاص داده شوند.

Atropa Belladonna L.

A. acuminata Royle. ، *A. lethalis* Salisb.

بلادون، گیاهی علفی و چند ساله، از تیره سیب زمینی (Solanaceae) است. ریشه دراز و ضخیم و ساقه‌ای استوانه‌ای به ارتفاع یک تا یک و نیم متر دارد. در اماکن مرطوب و

سایه دار مناطق مختلف کره زمین می‌روید مانند آنکه در نواحی مرکزی و جنوبی اروپا تا کریمه و قفقاز و همچنین در ایران بدان برخورد می‌شود. در جنگلهای آستارا، نمونه‌های فراوانی از این گیاه مشاهده شده است. برگهای بلادون، سفرد و دارای ظاهری بیضوی و نوك تیزند. گل‌های



ش ۳ - Atropa Belladonna : سرشاخه میوه‌دار (اندازه طبیعی)

درشت به رنگ قهوه‌ای چرك یا مایل به بنفش دارد. میوه‌اش به بزرگی گیلاس و در آغاز به رنگ سبز است ولی به ترتیب پس از رسیدن قرمز و سیاه رنگ می‌گردد.

بلادون از گیاهان داروئی ارزنده، با اثر درمانی قاطع است. برگ، ریشه، میوه و دانه آن

مصارف درمانی دارند و از آنها به‌عنوان آرام‌کننده و ضد تشنج و همچنین جهت درمان آسم، سیاه‌سرفه، صرع، بی‌اختیاری دفع ادرار، رفع دردهای آپاندیسیت، بواسیر و غیره استفاده می‌شود. از این جهت غالباً به پرورش این گیاه به‌منظور استفاده‌های درمانی و استخراج الکلوئید، اقدام می‌گردد. سابقاً تصور می‌کردند که بر اثر پرورش گیاه، مقدار نسبی الکلوئیدهای اعضای مختلف گیاه کاهش حاصل می‌کند ولی آزمایشهای مختلفی که در این باره به‌عمل آمده تقریباً خلاف این نظریه را ثابت نموده است.

چون در قرن ۱۶ میلادی، زنان ایتالیائی از میوه گیاه برای تأمین زیبایی خود استفاده می‌نمودند از این جهت نام گیاه از دو کلمه Bella donna (زیبائی دهنده)، نتیجه شده است.

تکثیر بلادون در زمینهای حاصلخیز رستی - سیلیسی، از طریق کاشتن دانه یا قطعات سوش انجام می‌گیرد. اراضی آبرفتی که کمی آهکی باشد، برای رشد گیاه مناسب تر است. کود حیوانی برای تقویت زمین و به‌دست آوردن محصول فراوان‌تر بسیار خوب می‌باشد، مشروط بر آنکه این عمل در زمستان صورت گیرد و در بهار منحصراً نیترات سدیم به زمین افزوده گردد.

دانه گیاه را معمولاً در اواخر دی - بهمن بر روی قشری از خاک مساعد با گرمای معتدل می‌کارند و پس از آنکه رویش مقدماتی حاصل شد و گیاه ۳ - ۴ برگ ظاهر گردید آنها را نشاء می‌کنند. انتقال گیاهان جوان رشد یافته به زمین زراعتی در ساه اردیبهشت، بر روی شیارهایی به فواصل ۸۰ ر. تا یک متر به نحوی صورت می‌گیرد که هر پایه گیاه لا اقل ۷۰ تا ۸۰ سانتیمتر از دیگری فاصله داشته باشد. با این روش معادل ۳۰ تا ۵۰ هزار پایه در هر هکتار زمین کاشته می‌شود.

برداشت محصول به نحوی است که در سال اول، یک بار آن هم در آخر مرداد، برگهای گیاه چیده می‌شوند. در این هنگام راندمان عمل بسیار خوب است. در سال دوم از هر دو پایه گیاه، یکی را با ریشه از زمین خارج می‌کنند و ۲ بار برداشت محصول به‌عمل می‌آورند. یکی در اواخر اردیبهشت با جدا کردن برگهایی که رشد کامل نموده‌اند و دیگری در اوایل مرداد که در این هنگام گیاه را از ۴ - ۵ سانتیمتری سطح زمین قطع می‌کنند و سپس برگهای سالم آن را بادیست، از ساقه جدا می‌سازند.

معمولاً از هر هکتار زمین معادل ۵۰۰ کیلوگرم برگ سبز که برابر با ۹۰۰ تا ۹۵۰ کیلوگرم برگ خشک شده است، به‌دست می‌آید. خشک کردن برگهای بلادون در گرمخانه و تحت اثر هوای گرم، صورت می‌گیرد. از امتیازات این نوع خشک کردن آن است که در مواقع لزوم